[**کودک و شهر سازی**](http://peymun.blogfa.com/post/13)

زندگي كودكان در شهرهاي معاصر،‌ زمينه پژوهشي پيچيده و تازه اي را براي سياستمداران،‌ جامعه شناسان،‌ معماران و برنامه ريزان شهري فراهم آورده است. تغييرات گسترده در ميانه قرن بيستم،‌ جنبش مدرنيسم و تبديل بسياري از سكونتگاه هاي روستايي و سنتي به شهر و گسترش شهرنشيني و پديده زندگي كلانشهري،‌ سبب شده است كه كودكان امروز در محيط انسان ساخت و به دور از محيط طبيعي متولد شوند و ‌رشد كنند.

رشد هر فرد تابع عوامل ارثی و شرایط محیطی است. ممکن است عوامل وراثتی پایه و طرح رشد را در وضع معینی قرار دهند، اما محیط، طرح و زمینه آن را دگرگون می سازد. وقتی شرایط محیط برای تامین نیازهای اساسی کودک مساعد نیست امکانات ارثی مجال رشد و پرورش پیدا نمی کنند. غذا، فعالیت، استراحت، فرصت های یادگیری، احساس امنیت و آسایش خاطر در طرح و زمینه رشد کودکان تاثیر می گذارند. شهر امروز محیطی است که می بایست امکانات وراثتی و استعداد های کودکان را شکوفا سازد.

دنيا را بزرگسالان اداره مي كنند و برنامه ريزان هستند كه تصميم مي گيرند چه فعاليتي در كجا و به چه صورت انجام شود. اما آيا مديران و برنامه ريزان شهري،‌ به حد كافي به اهميت و ضرورت توجه به كودكان،‌ مسائل و نيازهاي آنان پي برده اند؟ شهري كه به كودكان خود توجه نكند،‌ نيازهاي آنان را درنظر نگيرد،‌ مشكلات سخت افزاري و نرم افزاري آنان را نشناسد،‌ نسل آينده خود را و در نتيجه آينده حيات خود را به مخاطره انداخته است. بي ترديد كودكي كه از امكان تحصيل،‌ بازي و تغذيه مناسب بي بهره بماند،‌ در آينده به جاي كمك به حل مشكلات شهر،‌ خود به مشكلي براي شهر و شهرنشينان تبديل خواهند شد.

 شهرهاي امروز براي مردان ساخته مي شوند. نياز به كار،‌ مسكن،‌ تفريح و حمل و نقل،‌ براي بزرگسالان مورد توجه هستند. مفهوم برابري در شهر،‌ معطوف به طبقات اجتماعي،‌ درآمدي و سطح زندگي است و نه تنها كودكان كه زنان و سالمندان نيز در اين ميان جايي ندارند.

در اين پژوهش سعی شده است تا با شناخت نياز هاي عمومي كودكان در شهرهاي امروز، با تاكيد بر نياز به تفريح و فضاي بازي و گذران اوقات فراغت، تجربه هاي كشورهاي توسعه يافته و كشورهاي در حال توسعه در اين زمينه مورد بررسي قرار گرفته و با شرایط کشورمان مقایسه شود.

 3حقوق كودكان در قوانين جهاني و قوانين ايران

كودك كيست؟

اعلاميه جهاني حقوق كودك، ‌در ماده يك خود كودك را كسي مي داند كه كمتر از هجده سال تمام دارد،‌ مگر آنكه قوانين داخلي كشوري،‌ سن ديگري را مشخص كرده باشد.

طبق تعريف قانون مدني جمهوري اسلامي ايران،‌ كودك كسي است كه بالغ نشده است. همين قانون، سن بلوغ را براي پسران پانزده سال تمام و براي دختران،‌ نه سال تمام تعيين كرده است.[1]

 اعلاميه جهاني حقوق كودك

در سال 1989 میلادی نمایندگان کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد،  پیمان حقوق کودک را تایید و امضا نمودند و متعهد شدند تا برای تصویب و اجرای آن در کشورهای خود تلاش نمایند. این عهدنامه که به نام کنوانسیون حقوق کودک[2] معروف است، یک مقدمه و 54 ماده دارد و همه دولت ها و مردم جهان را به ساختن دنیایی بهتر برای کودکان تشویق می کند. در تاریخ اول اسفند 1372 مجلس شورای اسلامی ملحق شدن جمهوری اسلامی به این کنوانسیون را تصویب کرده است.

اعلاميه جهاني حقوق كودكان به عنوان يك لايحه حقوق بشر براي كودكان شناخته مي شود و طيف گسترده اي از حقوق اساسي كودكان را تضمين مي كند. طبق مواد اين اعلاميه، كشورهاي تصويب كننده آن در قبال اقدامات خود در مورد كودكان پاسخگو خواهند بود.

علي رغم تصويب قوانين متعدد حمايت از كودكان و تعميم مصوبات و كنوانسيون هاي بين المللي به كشور،‌ هنوز به حد كافي و ضرورت،‌ مسائل و دشواري هاي كودكان در برنامه ها و طراحي هاي شهري كشور لحاظ نشده است. در كلان شهرهاي ما،‌ زندگي و تفريح كودكان، با وجود محدوديت ها، در خانواده خلاصه مي شود. دسترسي به محيط طبيعي و پاك،‌ با دشواري هايي همراه است. در محيط شهر و اجتماع نيز به دلايل مختلف،‌ مانند عدم ايمني، وجود نداشتن فضا و امكانات كافي و مناسب و... حضور مستقل كودكان و حتي تفريح آنان به حد كفايت ميسر نيست.

 صندوق بين المللي فوق العاده ملل متحد براي كودكان[3] (UNICEF)

اين نهاد بين المللي در دسامبر سال 1946 تاسيس شده است و زير نظر شوراي اجتماعي و اقتصادي سازمان ملل متحد فعاليت مي كند. هدف عمده تاسيس اين صندوق، مراقبت بهداشتي از كودكان جهان و اجراي برنامه هاي رفاهي براي آنان بوده است.

  شرایط کودکان در کشورهای جهان و در ايران

در این بخش مروری بر مسایل رفاهی و قوانین مربوط به کودک و حقوق کودک در شهر در کشورهای جهان در سه سطح توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بررسی می شود.

 الف) بریتانیا

در بریتانیا کودک کسی است که کمتر از شانزده سال تمام داشته باشد. هر کودک ماهانه مبلغی را از دولت دریافت می کند، آموزش برای او رایگان و اجباری است و حق استفاده رایگان از خدمات بهداشتی، پزشکی و حتی بیمارستانی را دارد.

برای گذران اوقات فراغت، علاوه بر مدرسه، در هر محله مراکز آموزشی متنوع و متفرقه از سوی شهرداری ایجاد شده است. درون هر محله، کتابخانه، فضای ورزشی، محل پیاده روی و فضای سبز در نظر گرفته شده است. همچنین سازمان هایی در سطح محله از سوی شهرداری کلان شهر ها تاسیس شده، که در زمینه های مختلفی فعالیت می کنند. مانند انجمن های محلی ورزشی، آموزشی، خانه داری و غیره.

 ب) آلمان

در آلمان افراد کمتر از هجده سال کودک به شمار می آیند. ایجاد و ارائه خدماتی مانند مهد کودک، فضای بازی کودکان، پارک و تاسیسات تفریحی دیگر، بر عهده شهرداری ها است. هزینه ارائه این خدمات به صورت عوارض از شهروندان دریافت می شود.

 ج) کانادا

در کانادا مدیریت شهری به واسطه شوراهای محله ای و شهری و ناحیه ای صورت می گیرد. این شوراها بر امور مختلف مربوط به مردم نظارت می کنند.

کودکان تا سن هجده سالگی از کمک های ماهانه تامین اجتماعی بهره مند هستند. در هر محله، مهد کودک و کودکستان معمولا در مرکز محله ایجاد می شود. در بیشتر ایالت های این کشور، وزارتخانه و یا سازمانی به عنوان وزارت کودکان و خانواده ها وجود دارد.

 د) هندوستان

جمعیت شهرنشین در هند بین سال های 1991 تا 2001 حدود 31 درصد رشد داشته است و پیش بینی می شود تا سال 2025 جمعیت شهر نشین این کشور به رقم 660 میلیون نفر برسد.

در شهرهای هندوستان، نهاد های محلی بر شرایط بهداشتی و آموزشی کودکان نظارت می کنند. جمعیت حاشیه نشین و کم درآمد در شهر های بزرگ، سهم نسبتا بالایی را تشکیل می دهد، این موضوع موجب می شود که تراکم جمعیتی در خانوار و در سطح محله بسیار بالا باشد. با این همه، آموزش برای کودکان تا پایان دوره ابتدایی رایگان می باشد.

وضعیت نابسامان اقتصادی خانوارها موجب می شود کودکان در سنین پایین مجبور به کار و کسب درآمد باشند، این موضوع در سال های اخیر توجه دولت فدرال و حتی برخی فعالان حقوق کودک در سطح جهانی را برانگیخته است.

 ه) مصر

در سال 1998 حدود 45 دصد مردم مصر ساکن شهرها بوده اند و رشد شهر نشینی در این کشور در حدود 2.1 درصد تخمین زده می شود.

قاهره، پایتخت مصر، با 10.5 میلیون نفر جمعیت بزرگ ترین شهر افریقاست. حدود سه چهارم از کودکان زیر پنج سال در قاهره، در محله های با تراکم بالا و یا حاشیه شهر زندگی می کنند. سطح بهداشت کودکان در بسیاری از این محله ها پایین ارزیابی شده است. در بسیاری از محله های حاشیه ای در قاهره، زندگی روستایی جریان دارد.

در مصر، اولویت نخست دولت در قبال کودکان شهری، ارتقا سطح سلامت و بهداشت و تامین نیازهای اولیه مانند آب سالم می باشد. به تبع این کمبودها، سطح آموزش و توجه به تفریح در این کشور بسیار پایین خواهد بود.

 و) شرایط کودک در ایران

همانطور که گفته شد طبق قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، پسران کمتر از 15 سال و دختران کمتر از 9 سال کودک شناخته می شوند. طبق اصل سي ام قانون اساسی دولت موظف است برای همگان تا پایان دوره متوسطه شرایط و لوازم آموزش و پرورش رایگان را مهیا کند. و طبق قانون کار، به کار گماشتن کودکان کمتر از پانزده سال، ممنوع است.

در کلان شهر های ایران، حقوق کودکان دچار نقص های بسیاری در زمینه اجرایی است. نمونه های بسیاری در سطح شهر ها قابل مشاهده است: دستفروشی، تکدی گری، بزه کاری و... .

به لحاظ تاسیسات و تسهیلات اجتماعی نیز کودکان همانند سایر اقشار جامعه دچار کمبودهایی هستند. اشکال در مکان یابی مهد کودک و کودکستان ها و همچنين دبستان ها، تفاوت های عمده میان ظاهر و امکانات مدارس در نواحی مختلف، فقدان امکانات تفریحی کافی در سطح شهر و محلات، استاندارد و ایمن نبودن فضاهای موجود، عدم امنیت کافی در سطح معابر عمومی و آلودگی های دیداری و شنیداری  برای کودکان بخشی از مشکلات موجود در همه کلان شهر های ایران هستند.

كودك و مسائل شهرسازي

كودكان در خانواده،‌ مدرسه و فضاي عمومي رشد كرده و پرورش مي يابند. فضاي عمومي شهر بايد پاسخگوي نياز كودكان باشد؛ فضايي براي گذران اوقات فراغت مانند زمين هاي بازي،‌ فضايي براي فعاليت پرورشي و فرهنگي مانند كتابخانه مخصوص كودكان و فرهنگسراهاي وي‍ژه آنان و‌ فضايي براي دسترسي به محيط طبيعي‌ مانند فضاي سبز شهري و خارج شهري.

بررسي نيازهاي كودكان در شهر، نيازمند آشنايي با روان شناسي كودك، و آشنايي با فيزيولو‍ژي و شرايط بدني آنان است. در عين حال بهترين تضمين براي در نظر گرفتن همه اين مسائل،‌ استفاده از نظرات خود كودكان است. در فعاليت هاي پژوهشي امروزه،‌ استفاده از فرايند مشاركتي در برنامه ريزي براي كودكان رواج دارد. كارگاه هاي آموزشي و پژوهشي در كشورهاي توسعه يافته به تدريج و در سال هاي اخير رشد يافته و به صورت گسترده و موثري مورد استفاده قرار مي گيرد.

آموزش مفاهیم شهروندی به کودکان

روان شناسان می گویند زندگی انسان در حقیقت فرایند یادگیری است. این فرایند از آغاز تولد تا لحظه مرگ ادامه دارد. یادگیری عبارت است از پیدایش تغییر نسبتا ثابت در رفتار.

امروزه در جوامع پیشرفته، حقوق و وظایف شهروندی از اولین اموری است که برای کودکان تبیین و تدریس می شود. روش های مختلفی برای این منظور پیشنهاد شده است. در بسیاری موارد، آموزش ها به صورت عملی و کارکردی است. تشکیل گروه های کاری و هنری، انجام و تمرین فعالیت های دسته جمعی، دخالت دادن نظر کودکان در تصمیم گیری های مرتبط با آنها و بحث مشارکت، فعالیت های اجتماعی و توجه به نقش کودکان و نوجوانان در اداره امور از آن جمله اند.

در ایران، به تازگی در برخی شهرها تجربه های نوینی اجرا شده اند. براي مثال طرح شهردار مدرسه یکی از این تجربه هاست که از سال 1379 در اهواز اجرا می شود. شهردار مدرسه بخشی از ساختار شهرداری است که دانش آموزان در آن با وظایف شهردار، نحوه مکاتبه ها در سیستم اداری، وظایف نهادهای اجتماعی و خدماتی، برقراری ارتباط با سایر شهرداران مدارس، ارتباط مستمر با مجریان طرح، برگزاری جلسات با معاونان و اعضای شورای مدرسه و نظارت معاونت ها و نظایر آن آشنا می شوند.

انتخابات در شرایط آزاد برگزار می شود و هر دانش آموزی می تواند کاندیدا شود. پس از برگزاری انتخابات 12 نفر برگزیده می شوند که 7 نفر مجموعه شهردار و معاونان او هستند و 5 نفر اعضای شورای مدرسه.

مدرسه و  شعاع 500 متری آن یک واحد شهری به شمار می آید و در حیطه اقتدار شهردار مدرسه است. شهرداری های مناطق هشت گانه اهواز موظف هستند با شهرداران مدرسه در برگزاری برنامه ها و جشن ها همکاری کنند.

از جمله دستاوردهای طرح شهردار مدرسه در اهواز، تمرین فرهنگ شهروندی و پدید آمدن حس مشارکت جویی میان دانش آموزان در مورد مسائلی همچون ترافیک، بهداشت و محیط زیست، فضای سبز و ایمنی بوده است.[4]

 فضاهاي شهري مناسب براي كودكان

فضاي عمومي شهر براي كودكان را مي توان به صورت هاي مختلفي در نظر گرفت؛ فضاي عمومي شهر و محله، مدرسه، خيابان ها و معابر عمومي، پارك ها، سينما، كتابخانه، فضاي ورزشي و مانند آنها از آن جمله اند. فضاي عمومي شهر در كنار خانه با كودك در تماس است و بخش مهمي از آموزش و پرورش او را بر عهده دارد.

در شهرسازي امروز، به لحاظ نظري هر محله با حوزه عملكردي مربوط به كودكان تعريف مي شود. مركز هر محله، يك دبستان است و علاوه بر آن خدمات ديگري مانند پارك محله اي، فضاي ورزشي و زمين بازي كودكان نيز در نظر گرفته مي شود. اما در عمل،‌ در بيشتر موارد اين نكات در برنامه ها مورد غفلت قرار مي گيرند. اغلب فضاهاي محله هاي شهري براي كودكان تعريف مي شوند، اما كمتر مورد استقبال و استفاده كودكان قرار مي گيرند.

شايد مهم ترين ويژگي يك فضاي عمومي مناسب براي كودكان، تامين امنيت فيزيكي و رواني كودكان و خانواده آنها باشد.

جين جيكوبز معتقد است مهم ترين علاقه كودكان در فضاي شهري در ايمني خيابان، تنوع كاربري ها، شادابي و سرزندگي شهر خلاصه مي شود  و با رفع اين نگراني كودكان، نگراني هاي اصلي تمام جمعيت برطرف خواهد شد.

امروزه مشخص شده است که کیفیت فضای کالبدی مختص کودکان، به لحاظ تراکم، اختفا، امکانات و تسهیلات مناسب و سایر مسایل مربوط به این فضاها به شناخت دقیق و کافی کودکان بستگی دارد. دانش روان شناسی کودک در این راه می تواند راهگشا باشد.

کودک نخستین ارتباط اجتماعی خود را با مادر سپس پدر و بعدها با برادران و خواهران آغاز می کند. به تدریج که بر سن او افزوده می شود می تواند با کودکان دیگر رابطه اجتماعی برقرار کند. در مرحله نوجوانی فرد می کوشد بیش از دوران کودکی از والدین و خانه مستقل شود. ولی هنوز هم احساس می کند که استقلال کامل برای امکان ندارد. این دوره، دوران تشکیل گروه هاست. مانند گروه های هنری، ورزش، تفریحی و مانند آن. گاهی هم نوجوانان دسته های کوچکی برای هدف های خاص در مدرسه یا محله خود تشکیل می دهند. عضویت در گروه به فرد امکان می دهد که خود را با دیگران همانند و هماهنگ سازد و افکار و عقاید تازه ای بیاموزد.

توجه به این نکات ساده برای برنامه ریزان و طراحان بسیار اهمیت دارد. فضاهای شهری باید آمادگی پرورش افکار و رفتار کودک و نوجوان را داشته باشند و بتوانند به نیازهای اساسی آنها پاسخگو باشند.

 كودك و نيازهاي اجتماعي

به طور كلي نيازهاي كودكان در سه فضا قابليت تحقق دارد: فضاي خانوادگي، فضاي آموزشي و فضاي عمومي.

فضاي عمومي شهر براي كودك عموما شامل فضاي عمومي محله و شهر، فضاي بازي و مراكز جمعي فرهنگي و پرورشي (كتابخانه كودك، فرهنگ سراي كودك و مراكز ورزشي) مي گردد. فضاهاي شهري همچنان كه براي همگان در دسترس و مورد استفاده هستند، بايد براي كودكان نيز قابل بهره برداري و درك باشند.

منظور از رشد و تکامل اجتماعی این است که فرد بیاموزد در یک اجتماع یا فرهنگ زندگی کند، با دیگران همکاری کند و مسئولیت هایی را به عهده گیرد. اجتماعی شدن مستلزم آن است که شخص از برخی خواسته های خود صرف نظر کند و کارهایی را انجام دهد که خود نمی خواهد. بنابراین بسیار مهم است که به کودک قدرت بدهیم که با دیگران همکاری کند، بتواند آنچه را نمی داند از دیگران یاد بگیرد، بتواند ناکامی های زندگی اش را تحمل کند، برخی خواسته هایش را برای صلاح جامعه فراموش کند یا به تاخیر بیندازد، آداب و رسوم جامعه را رعایت کند و مسئولیت های اجتماعی را بر عهده بگیرد.

از سوي ديگر هنگامي كه خانواده نتواند نيازهاي اساسي كودك خود را تامين نمايد، مسئولان شهر موظف هستند از كودك حمايت كنند. نهاد هاي اجتماعي حمايت از كودكان (خيريه يا دولتي) يكي از نيازهاي اساسي در شهرهاي امروز هستند.

 كودك و اوقات فراغت

بهترين روش يادگيري در سنين كودكي،‌ بازي است. شيلر مي گويد: كودك زماني به راستي كودك است كه بازي مي كند. بنا به تاكيد روان شناسان كودك،‌ موثرترين بازي ها در سن پايين،‌ بازي آزاد است. بازي بدون دخالت و قانون گذاري والدين، به صورت خودانگيخته و كاملا دلخواه و معمولا بدون هدف تعيين شده.

فضاي شهري بايد پاسخگوي اين نياز كودكان باشد. فضاي بازي كودكان،‌ تنها بخشي از فضاي مورد نياز شهري براي آنان است.

بر اساس ماده 31 اعلاميه جهاني حقوق كودك، بازي و تفريح حق كودكان است. پس ضروري است امكانات و تسهيلات لازم براي فعاليت هاي تفريحي آنان فراهم شود. در بند 2 همين ماده آمده است: ضروري است مسئولان شهري، فضاهاي مناسب و متعددي براي بازي كودكان فراهم نمايند. اين مكان ها بهتر است به محل سكونت كودكان نزديك باشند.

فضاي بازی کودکان

با گسترش روند شهرنشینی در سطح جهان و تولد کلان شهرها، تماس و آشنایی کودکان با طبیعت و محیط های طبیعی کاهش یافته و فرصت بازی کودکان و گذران اوقات فراغت آنان محدود به فضای شهری است.

علاوه بر گسترش فیزیکی شهرها که منجر به دوری از طبیعت می گردد، نگرانی والدین از تامین امنیت کافی، شرکت دادن کودکان در کلاس های آموزشی فوق برنامه، بازی های رایانه ای و رسانه تلویزیون نیز در کاهش رابطه کودکان شهری امروز با محیط طبیعی نقش داشته اند.

روان شناسان معتقدند در سنین کودکی، یادگیری از طریق بازی آزاد انجام می گیرد. برای بازی آزاد تعریف دقیق و مشخصی وجود ندارد، اما از ویژگی های آن می توان به عدم برنامه ریزی، غیر قابل پیش بینی بودن، اختیاری بودن و لذت بخش بودن اشاره کرد.

برای مقابله با کمبود فضاهای بازی در شهرها در برخی کشورها راهبرد های خاصی در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال بر احیاء ارزش و مفهوم محله، آگاه سازی شهروندان از اهمیت فضاهای بازی کودکان، ایجاد فضاهای تفریحی چند منظوره و استفاده از ساکنان محله برای اداره و کنترل این فضاها تاکید می شود.

از سوی دیگر شهرداری ها نیز در برنامه های اجرایی خود برخی نکات را در نظر می گیرند. مکان یابی پارک و فضای بازی برای کودکان در نزدیکی محل سکونت آنها با استفاده بهینه از عناصر طبیعی موجود مانند جنگل، رودخانه یا درختان کهن سال، ایمن سازی مسیر تردد کودکان و تاسیسات موجود در فضای بازی از جمله این نکات هستند. توجه همزمان و کافی به همه این جوانب منجر به پیدایش محله ای سالم و پایدار خواهد شد.

 در آلمان در این زمینه تجربه جالب توجهی وجود دارد. در برخی شهر ها فضایی عمومی در نظر گرفته شده است که هدف از آن آرام سازی ترافیک و تغییر و تبدیل کاربری خیابان محلی به دسترسی محلی است. به این فضا، وونرف[5] یا «خیابان زندگی» می گویند. بدین ترتیب فضای شهری ایجاد می شود که برای انواع فعالیت های تجاری و اجتماعی و به ویژه بازی کودکان مناسب است. این فضاها اغلب به صورت خیابان باریک درختکاری شده ای هستند که سرعت وسایل نقلیه در آن حداکثر به 16 کیلومتر بر ساعت (10 مایل بر ساعت) می رسد.

 زمین بازی کودکان

در جوامع پيش از صنعتي، آموزش كودكان عمدتا بر عهده نهادهاي مذهبي و رهبران ديني قرار داشت و در اين ميان اهميت پرورش روحي و عاطفي آنان همواره ناشناخته باقي مانده بود؛ هرچند به تدريج نگرش هاي جديدي درباره آموزش آنان و لزوم فراگيري برخي آداب و مهارت ها به آنان شكل مي گرفت. در اين سال ها اكثريت جمعيت ساكن روستاها بودند و كودكان در دل طبيعت و در تماس مستقيم با آن به تفريح و تجربه كردن مي پرداختند و لزومي براي طراحي فضايي براي بازي آنان احساس نمي شد.

در نيمه اول قرن نوزدهم ميلادي و در سال 1837 نخستين كودكستان توسط فردريك فروبل در شهر بلانكنبرگ آلمان با نام «باغ كودكان»[6] تاسيس گرديد. فروبل معتقد بود باغ كودكان بايد نمونه كوچكي از جهان واقعي،‌ با همه ويژگي هاي مثبت و منفي آن باشد. ايده تاسيس باغ كودكان به سرعت در همه آلمان و سپس اروپا گسترش يافت.

ديويد شاو اسكاتلندي نخستين دانشمندي بود كه اهميت در نظر گرفتن فضايي براي بازي كودكان را بيان نمود. شاو مي گويد: زمين بازي كودكان بهشت است.

در سال 1855 نخستين باغ كودكان در شهر واترتون در ايالت ويسكانسين توسط بانوي مهاجر آلماني، كارل شورتز تاسيس گرديد. اما به تدريج شكل و محتواي كودكستان هاي امريكا تحول يافت. كودكستان هاي مدرن امروزي در سال هاي دهه 1930 در امريكا بنيان گذاشته شده اند. پس از آن و به تدريج فضاهاي تفريحي و سرگرمي ويژه كودكان نيز طراحي و اجرا شدند.

اولین زمین بازی از پیش طراحی شده در سال 1862 و در حومه بستون در امریکا تاسیس شد. در اين فضا،‌ وسايل بازي كودكان از لوله هاي گالوانيزه اي ساخته شده بودند كه كارايي چنداني نيز نداشتند. در انگلستان و در منچستر در سال 1911 زمین هاي بازی کودکان از سوي خود مردم به وجود آمده و سپس با قواعد و معيارهاي شهرداري تطبيق يافتند. در پارک های اولیه منچستر زمین های بازی پسران و دختران جدا از يكديگر بودند، زیرا تصور می شد در زمین های بازی مختلط، پسران فرصت بازی را از دختران می گیرند.

در دهه 1920 فضاهايي از پارك هاي عمومي به بازي كودكان اختصاص يافت. در سال 1931، سورانسون، طراح دانماركي پيشنهاد داد تا فضايي براي بازي كودكان با وسايل و مواد به ظاهر بي ارزش در نظر گرفته شود. اين ايده در دهه 1940 منجر به شكل گيري «زمين هاي بازي ماجراجويي»  گشت كه اين ايده در 1948 در كامبرول لندن اجرا گرديد.

با پيشرفت فناوري در قرن بيستم امكان ساخت فضاهايي براي مخاطبان در سنين مختلف پديد آمد. در بسياري شهرهاي بزرگ شهرك هاي ويژه بازي و سرگرمي كودكان به وجود آمد. به عنوان مثال در قاهره، نيويورك، هوستون در تگزاس و همچنين پاريس.

 در ايران و در سال 1298 شمسي در تهران و اصفهان كودكستان هايي تاسيس شد كه عمدتا از سوي مبلغان مذهبي اروپايي اداره مي شدند.

اولين كودكستان ايراني در سال 1303 در تبريز و توسط جبار باغچه بان ايجاد شد. چندي بعد قمر دولت آبادي نيز در اصفهان چنين موسسه اي را برقرار نمود. اولين آيين نامه كودكستان ها در ايران در سال 1334 و در وزارت فرهنگ نوشته شد. در سال 1341 كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان تاسيس گرديد. اين كانون كودكان 6 تا 18 ساله را مخاطب خود قرار مي دهد.

اما به طور کلی باید در نظر داشت که بازی کودکان در یک محیط طبیعی کاملا با بازی در یک محیط انسان ساخت متفاوت است. محیط طبیعی برای کودک تجربه حسی خاصی دارد. کودک در محیط طبیعی رها است. آزاد است بدود، فریاد بزند و ریخت و پاش کند.

مسلم است که برای طراحی و برنامه ریزی یک فضای بازی برای کودکان، پیروی از فرهنگ حاکم در جامعه ضروری است. فرهنگ اجتماع همواره بر همه جوانب زندگی افراد آن جامعه و به تبع آن بر فضاهای زندگی آنها موثر خواهد بود. منظور از فرهنگ جامعه، تنها فرهنگ غالب و کلی مردم نیست، بلکه در بسیاری موارد، توجه ویژه به خرده فرهنگ ها و اقلیت ها تضمین کننده موفقیت یک فضای شهری می باشد. تنها با توجه به این نکات است که از یک فضای طراحی شده شهری می توان انتظار داشت به صورت ایده آل عمل نماید.

برخی دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند توجه به فرهنگ در طراحی و برنامه ریزی، در حقیقت همان توجه به فرهنگ محلی زنان و کودکان است. زیرا در بیشتر جوامع این مادران هستند که تصمیم می گیرند خانواده و کودکانشان به چه مراکزی برای گذران اوقات فراغت بروند.

 فضاهاي بازي كودكان در ايران

در شهرسازي سنتي ايران فضايي مختص كودكان در شهرها پيش بيني نشده بود، كودكان در فضاي خانه خود و محله مي توانستند با همسالان خود بازي كنند و حتي در تماس مستقيم با طبيعت به تجربه هايي نو دست پيدا كنند. اما با ورود انديشه تجدد گرايانه و از بين رفتن بافت سنتي شهرها و به ويژه پيدايش ساختمان هاي بلندمرتبه و محله هاي پرتراكم در شهرهاي بزرگ كشور، كودكان و نيازهاي مخصوص آنان مورد غفلت شهرسازان و مديران شهري واقع شد؛ به طوري كه با وجود نفوذ عقايد و تفكرات شهرسازي نوين در انديشه هاي برنامه ريزان و مسئولان شهري، اهميت و جايگاه فضاهاي شهري ويژه كودكان، از جمله فضاهاي سرگرمي و تفريح آنان، هنوز به حد كافي مورد توجه قرار نگرفته است.

زمين هاي بازي كودكان در ايران معمولا در چند وسيله ساده بازي مانند الاكلنگ و سرسره و يا زمين هاي بازي خاكي در محله ها خلاصه مي شود.

از سوي ديگر كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان در حقيقت تنها نهاد فعال در زمينه فعاليت هاي فرهنگي و پرورشي مختص كودكان در كشور است. مهد كودك ها و كودكستان ها نيز نتوانسته اند به نقش و جايگاه اصلي خود برسند؛ به طوري كه مي توان گفت مهد كودك ها و كودكستان هاي ايران (به ويژه در كلان شهرها) تنها وظيفه نگهداري از كودكان در ساعت هاي كاري والدين آنها را بر عهده گرفته اند.

حتي در شهرهايي كه طراحي شهري در آنان در حد مقبولي انجام گرفته است نيز جايگاه كودكان مورد بي توجهي باقي مانده است، به طوري كه احساس عدم امنيت در فضاهاي شهري در نزد كودكان و به تبع آنان در نزد والدين همواره وجود داشته است. اين موضوع سبب مي گردد والدين كودك ترجيح بدهند فرزند آنان در خانه اوقات فراغت خود را بگذراند و فرصت بازي در فضاي باز و طبيعي را از دست بدهد. امري كه منجر به محروميت كودك از تجربه هاي نو، آشنايي با همسالان خود و برقراري روابط اجتماعي ميان آنان مي گردد.

شايد بتوان گفت پيش از طراحي و ساخت فضاهاي سرگرمي و تفريح كودكان، آماده سازي محله هاي شهري براي زندگي اجتماعي كودكان بايد مورد توجه برنامه ريزان باشد. محله هاي شهري نبايد محل عبور و مرور ترافيك باشند. كوچه هاي محله تنها بايد نقش دسترسي محلي داشته باشند. سرعت وسايل نقليه حداقل باشد و به لحاظ امنيت و آرامش در سطح مطلوبي قرار بگيرد.

در گام دوم طراحي فضاهاي محلي اهميت دارند. فضاهايي كه براي كودكان ملموس باشند. كودك بايد بتواند با محله و شهر خود ارتباط برقرار كند و آن را بشناسد. طراحي فضاهاي سبز، خيابان هاي زيبا، استفاده از رنگ هاي مناسب در محيط محله و شهر و حتي علائم و نمادهاي شهري مي تواند مورد توجه باشد.

در گام سوم طراحي و اجراي فضاهاي شهري مناسب كودكان اهميت دارد. پارك هاي محله اي، زمين هاي بازي و كتابخانه محله اي از نمونه هاي ساده و مهم چنين فضاهايي هستند. در سطح شهر نيز ايجاد شهربازي، پارك هاي وسيع، اردوگاه ها و مانند آنها براي بازي و سرگرمي كودكان و تاسيس موزه هاي ويژه كودكان، نمايشگاه ها، سينماي كودك، و مانند آنها براي پرورش كودك داراي اهميت هستند.

در تمامي اين فضاها بايد اصول مشخصي را لحاظ كرد تا بتوانند در كاركردهاي خود موفقيت حاصل كنند. مهم ترين اين اصول را مي توان در امنيت، نزديكي و قرابت با طبيعت، تنوع، آسايش، سكوت و قابليت نظارت خلاصه نمود.

 جمع بندی

به طور كلي مشكلات و مسايل مربوط به كودكان را نمي توان به طور جداگانه از ساير مسايل اجتماعي و شهري بررسي كرد و براي حل آنها راه حل ارائه داد. در سطح ملي، سياستگذاري هاي كلان و جهت گيري عمده برنامه هاي بلند مدت و ميان مدت و نيز برنامه هاي كوتاه مدت، بايد با در نظر گرفتن نيازها و كمبود هاي كودكان انجام شوند. قوانين كشور بايد هر چه بيشتر با قواعد جهاني حمايت از كودكان هماهنگ و منطبق شود. در عين حال بايد به اجراي درست و دقيق اين قوانين اهتمام ورزيد. در نظر گرفتن فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها در جوامع مختلف و هماهنگي با آنها، مي تواند تضميني براي اجراي دقيق قوانين مرتبط با كودكان باشد.

در سطح شهري، گسترش نهاد هاي اجتماعي و فرهنگي مي تواند به عنوان يك راهكار ميان مدت در نظر گرفته شود. استفاده از تجربه هاي ساير كشورها و كلان شهرهاي جهان در اين زمينه مي تواند بسيار مفيد واقع شود. اصلاح وضعيت محله هاي شهري براي در دسترس بودن آنها براي كودكان، . ايجاد فرهنگسراهاي ويژه كودكان، پارك ها و كتابخانه هاي محلي و مانند آنها نيز مي تواند از برنامه هاي نهادهاي مسئول در شهر براي رفع نيازها و كمبودهاي كودكان در كلان شهرهاي ايران باشد. در سال هاي اخير در برخي شهرها، البته در سطحي محدود، فعاليت هايي در اين زمينه ديده مي شود. به عنوان مثال خانه كودك و نوجوان در اصفهان و يا كتابخانه كودك و نوجوان در پارك لاله تهران (كه زير نظر كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان فعاليت مي كند).

به نظر می رسد تا زماني كه ذهنيت غالب مديران و برنامه ريزان شهري متوجه اهميت فوق العاده نيازهاي روحي و فكري كودكان نباشد، نمي توان به آينده بهتري براي كودكان در برنامه هاي ملي و شهري اميدوار بود. گام نخست براي حل مشكلات موجود، توجه دادن برنامه ريزان به اين امر مهم مي باشد.

  منابع فارسي

1. ایزدپناه جهرمی، آیدا؛ کودک، بازی و شهر (فرایند، اصول و معیارهای برنامه ریزی و طراحی فضای بازی کودکان، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، 1383

2. پارسا، محمد؛ روان شناسی رشد کودک و نوجوان، 1376

3. دریسکل، دیوید، با همکاری اعضای پروژه رشد یافتن در شهرها؛ ترجمه توکلی، مهرنوش و سعیدی رضوانی،نوید؛ ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان (راهنمایی برای مشارکت و پژوهش مشارکتی)

4. شعاری نژاد، علی اکبر؛ روان شناسی عمومی، 1371

5. شهرداری ها، شماره 69، بهمن 1383

6. شیعه، اسماعیل؛ آماده سازی شهر برای کودکان، موسسه نشر شهر، 1385

7. قنبریان، منیر؛ کودک و شهرنشینی؛ انتشارات سازمان شهرداری ها، چاپ اول